رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۲، شماره پیاپی ۷۱، اردیبهشت ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(2), 2022

مطالعه کیفی بسترها و پیامدهای دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران: یک مطالعه نظریه زمینه‌ای

Qualitative Study of the Contexts and The Consequences of Intertwined Friendships among Girls: A Grounded Theory Study

سارگل ابراهیمی (نویسنده مسئول)
کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
علیرضا رحیمی
کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
ریحانه طالبی
دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Sargol Ebrahimi*
M.A. in Family Counseling, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran.
ebrahimi.sargol1373@gmail.com
Alireza Rahimi
M.A. in Family Counseling, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran.
Reyhaneh Talebi
PhD student in Counseling, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran.

چکیده

داشتن دوست در رشد طبیعی نوجوانان و جوانان بسیار مهم است اما گاهی این روابط به دلایلی به صورت افراطی و نابهنجار بروز می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف تبیین بسترها و پیامدهای دوستی‌های درهم‌تنیده در میان دختران انجام شد. روش این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای بود. نمونه‌ها شامل ۱۲ دانشجوی دختر در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در استان تهران در سال ۱۳۹۸ بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته بود. پس از بررسی و مقوله‌بندی یافته‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ۳۵ مفهوم اولیه به دست آمد که در مرحله کدگذاری محوری به ۱۴ مقوله رسید و سپس در مرحله کدگذاری انتخابی این تعداد به ۳ مقوله‌ی عوامل موثر بر میزان گرایش به روابط با همجنسان، ابعاد مختلف موجود در حین رابطه و پیامدهای فردی-اجتماعی این‌گونه روابط رسید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد، ارضای نیاز عاطفی و میل به مورد محبت واقع‌شدن از جمله عواملی است که موجب روی آوردن به برقراری دوستی‌های در هم‌تنیده می‌شود و خلاء عاطفی به عنوان شرایط زمینه‌ساز؛ شرایط خانوادگی و عمومیت‌داشتن این‌گونه روابط بین همسالان هم به عنوان مقوله‌های مداخله‌گر، بر پدیده اصلی اثرگذار می‌باشند. دوستی‌های در هم‌تنیده موجب به کارگیری راهبردهایی در افراد می‌گردد؛ از جمله کاهش وقت‌گذرانی با خانواده، صرف وقت و انرژی زیاد برای طرف مقابل و اولویت‌یافتن وی بر هرچیزی. همچنین این دوستی‌های در هم‌تنیده پیامدهایی را به دنبال دارد که عبارتند از: مختل‌شدن روابط خانوادگی، مختل‌شدن روند زندگی شخصی و نگرش منفی نسبت به خود، و دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد.

واژه‌های کلیدی: *دختران – در هم‌تنیدگی- دوستی- نظریه زمینه‌ای*

Abstract

Having friends is very important in the normal development of adolescents and young people, but sometimes these relationships can be extreme and abnormal. The aim of this study was to explain the contexts and consequences of intertwined friendships among girls. The method of this research was qualitative with the Grounded Theory. The samples included 12 female undergraduate and graduate students in Tehran in 1398 who were selected through purposive sampling. The research tool was a semi-structured interview. After reviewing and categorizing the findings in three stages of open, axial, and selective coding, 35 basic concepts were obtained, which reached 14 categories in the axial coding stage and then in the selective coding stage, this number reached 3 categories of factors affecting the tendency to relationships with homosexuals, the various dimensions of the relationship and individual-social consequences of such relationships. The results of the present study showed that the satisfaction of the emotional need and desire to be loved is among the factors that lead to the establishment of friendships in the intertwined and the emotional vacuum as the underlying conditions; family conditions and the generality of such relationships between peers as intervening categories, also affect the main phenomenon. Intertwined friendships lead to the use of strategies in individuals; These include reducing time spent with family, spending more time and energy on the other person, and prioritizing her over anything. These intertwined friendships also have consequences that include: disruption of family relationships, disruption of personal life and negative attitude towards yourself, and negative social attitudes toward the individual.

Keywords: *Girls, Intertwining, Friendship, Grounded theory*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : آبان ۱۴۰۰** **پذیرش: دی ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: اردیبهشت ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

مقدمه

نیاز به عشق و برقراری روابط صمیمانه با دیگران، یکی از خصوصیات اصلی بشر و از اساسی‌ترین نیازهای انسان در طول زندگی است (شولتز، شولتز، ۱۳۹۷)؛ در این بین، چگونگی روابط دختران با دیگران، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که دختران به مراتب بیش‌تر از پسران، آسیب‌های روانی و اجتماعی را تجربه می‌کنند و همین امر زندگی شخصی، خانوادگی و سلامت جسمانی آن‌ها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و گاه دچار از هم پاشیدگی زندگی آن‌ها می‌شود (قاضی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). پایه و اساس زندگی انسانی در جوامع بشری، بر تعاملات و نظام‌های تقابلی و اجتماعی استوار است و نقش مهم و ارزشمندی دارد؛ چرا که در بسیاری موارد، افراد قادر به رفع خواست‌ها و نیازهای خود به تنهایی نیستند. منظور از تعاملات اجتماعی[۱]، ارتباطات کوتاه مدت یا طولانی‌مدت کلامی/ غیرکلامی[۲]، مستقیم/ غیرمستقیم[۳] و عینی/ نمادین[۴] بین دو یا تعداد بیشتری از افراد است (وو و همکاران[۵]، ۲۰۱۸) که این‌گونه روابط در زمینه‌های گوناگون خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و... شکل می‌گیرند و تحت تاثیر دین، محدوده سکونت، فرهنگ، کار و ... قرار دارند (شهسوارانی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، آدمی در زندگی روزمره، به برقراری روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران نیازمند است و جزو سرشت وی می‌باشد. کلی[۶] به طبیعت طولانی‌مدت این‌گونه روابط اشاره دارد، بدین منظور که این اشخاص زمان زیادی را با هم می‌گذرانند و به سهمی از زندگی یکدیگر تعلق دارند (کلی، ۲۰۱۳). همانطور که آریز و جانسون[۷] (۱۹۸۳)، عنوان می‌کنند یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی افراد، برقراری روابط دوستانه و منحصر به فرد با دیگران است. از منظر اجتماعی، روابط دوستانه و صمیمی، هر نوع روابط مهمی است که بر ارتباطات داوطلبانه و روابط عاطفی مبتنی باشد. لازم به ذکر است تاگل و همکاران[۸] (۲۰۱۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در بین تمام جنسیت‌ها، کیفیت رابطه و حمایت عاطفی با رضایتمندی از رابطه مرتبط است. روابط نزدیک فرصت‌هایی را فراهم می‌کند تا با ایجاد و حفظ سیستم‌های معنایی جدید، بتوان به درک مشترک از خود و جهان رسید. همچنین، ایجاد یک احساس تفاهم متقابل باعث ایجاد و حفظ پیوندهای پایدار می‌شود و به همین ترتیب در روابط انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است (آندرسون و پرزیبیلینسکی[۹]، ۲۰۱۸)؛ به ویژه در دوره نوجوانی که نیاز عاطفی و جنسی نوجوانان به دلیل تغییرات هورمونی و بلوغ افزایش می‌یابد و غالب آنها به منظور رفع این نیازها و خلاء عاطفی، به برقراری ارتباط با جنس مخالف رو می‌آورند (آذر و نامور، ۱۳۹۶).

شکل‌گیری روابط نزدیک، یکی از وظایف تحولی- اجتماعی نوجوانان است. براساس نظریه‌ی اریکسون[۱۰]، یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های نوجوانان، نیل به تعلق و پیوند با دیگران است؛ پیوندی که رابطه‌ی گرم، پخته و معنادار با دیگران- افراد همجنس، غیرهمجنس، بستگان و دوستان- را در برمی‌گیرد (صمیمی و همکاران، ۱۳۹۱). داشتن دوست در رشد طبیعی نوجوانان و جوانان بسیار مهم است؛ به ویژه دوستی‌های صمیمی که موجب ایجاد پذیرش، احترام، صمیمت، لذت، خودپنداره‌ی مثبت و خودافشایی در فرد می‌گردد و برای یکدیگر حمایت عاطفی و روانشناختی فراهم می‌کنند. (اوسوالد و کلارک[۱۱]، ۲۰۰۳). براساس پژوهش قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷)، نوجوانان دبیرستانی از فرهنگ همسالان و دوستان خود پیروی می‌کنند و از رفتارها و کردارهای یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. طبق نظریه‌ی سالیوان[۱۲] و نظریه‌ی تبادل اجتماعی[۱۳]، اهمیت روابط گوناگون با تغییر سن و رشد فرد، تغییر می‌یابد و این تغییرات نیز روابط آن‌ها را با دیگران تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. نوجوانان در این مرحله از رشد خود، احتمالا خواهان یک دوست صمیمی (تقریبا همیشه همجنس خود) هستند تا یکدیگر را در تمام لحظات و آرزوهای هم شریک بدانند. ممکن است آنقدر به هم نزدیک شوند که حتی پس از گذراندن تمام روز با یکدیگر، وقتی به خانه باز می‌گردند ساعت‌ها تلفنی با یکدیگر صحبت می‌کنند و این می‌تواند نشان‌دهنده‌ی وابستگی و آزمون نوع جدیدی

1 Social interaction
2 Verbal/ Non-Verbal
3 Direct/ Indirect
4 Objective/ Symbolic
5 Wu et al
6 Kelley
7 Aries & Johnson
8 Tuggle et al
9 Andersen & Przybylinski
10 Erikson
11 Oswald & Clark
12 Sullivan
13 Social exchange

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

از رابطه به جهت شناخت خود، کسب هویت و استقلال باشد (صمیمی و همکاران، ۱۳۹۱). صمیمیت همجنس به رابطه‌ی بین دو دوست همجنس اشاره دارد که دارای مولفه‌های بسیاری است که عبارتند از: خودافشایی، بیان احساسی و هیجانی، حمایت بدون قید و شرط از یکدیگر، اعتماد و تماس فیزیکی؛ اما نه الزاما رابطه و تماس جنسی (مونسور[1]، ۱۹۹۲). صمیمیت هم‌جنس به معنای رابطه‌ی نزدیک اما غیرجنسی بین دو یا چند زن است که رابطه‌ی تنگاتنگی با یکدیگر دارند و فراتر از دوستی معمول است و از طریق سطح بالایی از صمیمیت عاطفی و هیجانی مشخص می‌شود (هامارن[2] و جانسون، ۲۰۱۴). به علاوه، اوسوآ دانکوا[3] (۲۰۰۹)، آن را به معنای دوستی نزدیک بین دو دختر جوان می‌داند که ممکن است جنبه جنسی داشته باشد یا نداشته باشد.

حمایت عاطفی و کیفیت رابطه، دو عاملی هستند که ارتباطات مثبت و رضایت‌بخش را بین نمونه‌های نوجوانان و بزرگسالان پیش‌بینی می‌کنند (صمیمی و همکاران، ۱۳۹۱). دوستی و رفاقت با دیگران، در صورتی‌که افراطی و غیرمتعادل شود، مثل وابستگی بیش از حد به دوست و تقلید کورکورانه از وی و حتی برقراری روابط جنسی، می‌تواند ضررهایی برای انسان داشته باشد و چه بسا موجب گناه و عذاب وجدان در وی گردد (جوشقانی، ۱۳۹۶). احساس گناه و جرمی که ناشی از روابط جنسی با همجنس به فرد دست می‌دهد، به فرهنگ جامعه‌ای بستگی دارد که در آن زندگی می‌کنیم. برخی جوامع آن را حق فرد می‌دانند و این نوع گرایش جنسی را طبیعی قلمداد می‌کنند (انجمن روانشناسی آمریکا[4]، ۲۰۱۵) و برخی دیگر، این سبک از رابطه را غیرطبیعی، گناه و اختلال به شمار می‌آورند (اسپریج[5]، ۲۰۱۱، سروانی‌زنجانی و رفیع‌نژاد، ۱۳۹۶). بنابراین، میزان پایبندی به مرزها در روابط، نوع و کیفیت آن را مشخص می‌کند؛ سالوادور مینوچین[6] در رویکرد ساخت‌نگر خود اذعان می‌کند که مرزها در روابط انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. این مرزها از لحاظ انعطاف‌پذیری یا نفوذپذیری[7] با یکدیگر تفاوت دارند و میزان دسترسی به یک رابطه، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضا را تعیین می‌کند و در نهایت به سه نوع واضح، خشک و پراکنده تقسیم می‌شوند. منظور از مرزهای واضح و روشن، این است که هر عضو در روابط خود فردیت خویش را حفظ می‌کند، ولی نه به قیمت از دست دادن احساس تعلق خود به آن رابطه. همچنین مرزهای خشک یا انعطاف‌ناپذیر، به معنای وجود سد و موانع غیرقابل نفوذ به یک نظام است. به علاوه، مرزهای در هم تنیده شدیدا گنگ و نا متمایز هستند و به سادگی از سوی سایر اعضا مورد تجاوز قرار می‌گیرند. در هم‌تنیدگی، حالتی افراطی از نزدیکی و تعامل در روابط است که در آن، اعضا بیش از حد به یکدیگر علاقه‌مند یا باهم درآمیخته هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ[8]، ۱۹۳۴، برواتی و همکاران، ۱۳۹۶). تینگ تامی[9] (۱۹۸۱)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که میزان نزدیکی و عمق روابط دوستانه، همچنین نوع و کیفیت آن را، فراوانی تعاملات، شباهت‌های ادراکی و میزان صمیمیت بین افراد و دوستان نزدیک مشخص می‌نمایند. دیوید بارت و همکاران[10] (۲۰۱۵)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که الگوی شکل‌گیری دوستی‌های نزدیک در میان انسان‌ها و تمایل به ایجاد دوستی‌های پایدار همجنس، به صورت تکاملی وجود دارد. در نظریات و تحقیقات گذشته مشخص شده است که بزرگسالان متاهل هم تمایل دارند نزدیکترین دوستی و رابطه را با همجنسان خود برقرار کنند (آیرز و جانسون، ۱۹۸۳). دور از ذهن نیست که در نوع و کیفیت این دوستی‌ها و رفاقت‌ها عواملی دخالت دارند. در مقاله‌ی "دوستی و انتخاب طبیعی"، کریستیکس و فاولر[11] (۲۰۱۴)، همبستگی مثبت بین دوستی‌های نزدیک و ژنوتیپ‌ها را گزارش کردند و این نشان می‌دهد شباهت‌های DNA ممکن است یک عامل علمی و مهم در ایجاد این نوع گرایش‌ها و دوستی‌ها باشد. صمیمی و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیق خود که به روش کیفی صورت گرفته است، نشان دادند که کیفیت رابطه‌ی گزارش شده با همجنس، به میزان بار عاطفی و خودافشاگری بستگی دارد؛ همچنین کیفیت رابطه با دوستان همجنس تحت‌تاثیر سن و جنس قرار داشت. جانسون و همکاران[12] (۲۰۰۹)، عنوان کردند همه روابط نزدیک، صمیمی نیستند و با وجود اینکه گاهی موجب از بین رفتن انرژی و ایجاد درد و رنج در افراد می‌شوند، می‌توانند عامل موثری بر سلامت زنان باشند. ایجاد و کیفیت دوستی‌های همجنس بین زنان را می‌توان در زمینه‌ی عوامل موثر درون

1 Monsour
2 Hammaren & Johansson
3 Owusua Dankwa
4 American Psychological Association
5 Sprigg
6 Salvador Minuchin
7 Permeability
8 Goldenberg & Goldenberg
9 Ting-Toomey
10 David-Barrett et al
11 Christakis & Fowler
12 Johansson et al

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

خانواده بررسی کرد؛ نمونه‌ای از آن چگونگی روابط بین مادر و دختر می‌باشد (آلن و همکاران[1]، ۲۰۱۱). علاوه بر روابط مادر و دختر، روابط خواهران را هم می‌توان به دقت بررسی کرد و شواهد نشان می‌دهند که روابط خواهران از قوی‌ترین روابط هستند و بر جوانب زندگی افراد و روابط با دیگران تاثیر می‌گذارند. در نتیجه، حمایت عاطفی و هیجانی در روابط با مادران و خواهران، پایه‌ی اصلی برای ایجاد پیوند زنانگی به شمار می‌آید (ولز[2]، ۲۰۰۹). در تحقیقی که توسط آریز و جانسون (۱۹۸۳)، به صورت کیفی و به منظور بررسی روابط دوستانه در میان بزرگسالان همجنس‌گرا صورت گرفت، نشان داده شد که زنان بیش از مردان، در مورد روابط نزدیک و موضوعات مربوط به خود صحبت می‌کنند، در حالی‌که مکالمه‌ی بیشتر در زمینه فعالیت‌های خود است. این پژوهش که متمرکز بر روابط دوستانه و صمیمی بین دانشجویان صورت گرفت، به این نتیجه دست یافت که روابط نزدیک همجنسان ارتباط بسیاری در شکل‌گیری هویت دیرهنگام آن‌ها خواهد داشت؛ به علاوه، این روابط پس از ازدواج هم پایدار خواهد ماند. همچنین در این پژوهش، موارد زیر به عنوان عوامل تاثیرگذار بر کشش و ایجاد دوستی‌ها ذکر شده است: شخصیت‌های مشابه، سیستم‌های شناختی مشابه، نگرش‌ها، ارزش‌ها و منافع مشترک. براساس پژوهشی که توسط تیلزر و همکاران[3] (۲۰۱۵) صورت گرفته است، نتایج نشان داد که کیفیت تعاملات والد-فرزندی به احتمال خیلی زیاد، بر روی احساسات و روابط با دیگران، به ویژه با دوستان و همسالان اثرات معناداری دارد. همچنین، لی و بونک[4] در پژوهشی که در سال ۲۰۱۶ انجام دادند، این‌طور عنوان کردند که ضعیف شدن تعاملات صمیمانه اعضای خانواده با یکدیگر و کاهش فعالیت‌های فراغتی خانواده منجر به کمرنگ شدن و ایجاد اختلال در میزان و کیفیت ارتباط با همسالان می‌گردد. در این رابطه، پژوهش حسین‌پور و قنبری (۱۳۹۶) نشان داد که فضای عاطفی خانواده، میزان کنترل عاطفی و رشد اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. سوء و همکاران[5] (۲۰۱۶)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افزایش اوقات فراغت والدین و فرزندان، منجر به بالا رفتن کیفیت ارتباط فرزندان با همسالان می‌گردد و بالعکس.

به طور کلی، اساس زندگی انسان در جوامع بشری، بر برقراری روابط با دیگران و ایجاد پیوندهای دوستانه استوار است و روابط دوستانه و صمیمانه، به ویژه در نوجوانی و جوانی نقش مهم و ارزشمندی به خود می‌گیرد اما ممکن است این‌گونه روابط به دلایلی به افراط کشیده شود و زندگی فرد را مختل نماید. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، مشخص شده است دختران به میزان بیش‌تری از پسران تحت‌تاثیر روابط خود قرار دارند و در صورتی‌که این‌گونه روابط به سوی افراط و نابهنجاری کشیده شود، آسیب‌هایی را در ابعاد گوناگون زندگی آن‌ها به وجود می‌آورد؛ بنابراین نیاز است کمیت و کیفیت و همچنین، عوامل زمینه‌ساز این‌گونه روابط مورد توجه واقع شود تا از ایجاد دوستی‌های در هم‌تنیده و افراطی و اثرات منفی ناشی از آن جلوگیری گردد. پژوهش‌های گذشته بیش‌تر به مطالعات مربوط به روابط صمیمی بزرگسالان و رابطه‌ی بین دو جنس مرد و زن پرداخته است، همچنین، در کشور ما تعداد تحقیقات اخیر در زمینه‌ی روابط انسانی، به ویژه روابط با غیرهمجنسان و به طور کلی، روابط صمیمیانه و دوستانه وجود دارد، اما متاسفانه توجه کافی به چگونگی و فرآیند ایجاد چنین روابط افراطی و در هم‌تنیده‌ای بین همجنسان صورت نگرفته است و در این زمینه خلاء پژوهشی مشهود است؛ در همین ارتباط، کراسول و کراسول[6] (۲۰۱۷) و وان مانن[7] (۲۰۱۶) پژوهش‌های کیفی را به بافت و فرهنگ وابسته می‌دانند و تعمیم یافته‌ها از فرهنگی به فرهنگی دیگر کار معقول و مناسبی نیست. بنابراین، این پژوهش کیفی بومی، در پی دست یافتن به پاسخ این سوال است که بسترها و پیامدهای روابط در هم‌تنیده با همجنسان در بین دختران چگونه است؟

روش

پژوهش مورد نظر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای[8] انجام شد. این روش، به منظور توسعه‌ی نظریه و بر اساس گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و محقق به تولید و ارائه‌ی مدل مفهومی از داده‌های مورد نظر می‌پردازد

1 Allen et al
2 Wells
3 Telzer et al
4 Lee & Bonk
5 Su et al
6 Creswell & Creswell
7 Van Manen
8 Grounded Theory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

(سعادتی و همکاران، ۱۳۹۹). روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود که تا اشباع داده‌ها ادامه یافت؛ به صورتی‌که دیگر داده‌ی جدیدی به مفاهیم موجود اضافه نشد و یافته‌ها توسعه نیافت؛ در نتیجه، فرایند مصاحبه با تعداد ۱۲ نفر مشارکت‌کننده متوقف شد. از آن‌جا که محقق آشنایی قبلی با نمونه‌ها داشت، بنابراین به صورت کاملا هدفمند به سراغ نمونه‌ها رفت. این نمونه‌ها، دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در استان تهران در سال ۱۳۹۸ بودند که تجربه‌ی روابط بسیار نزدیک (اعم از روابط جنسی و یا عاطفی شدید) با همجنسان خود را در محیط‌های گوناگونی همچون مدرسه، خوابگاه و یا محیط دانشگاهی داشتند؛ بنابراین، محقق با حضور در محیط دانشگاهی و یا خوابگاه‌ها به انجام مصاحبه پرداخت.

ابزار سنجش

ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته[1] بود. محور اصلی سوالات مصاحبه در راستای بررسی عوامل زمینه‌ساز و به طور کلی فرایند این‌گونه روابط بود. ابتدا با سوالی باز از مصاحبه‌شوندگان درخواست می‌شد روابط خود با دوستان صمیمی و مهم زندگیشان را از هرکجا که دوست دارند بیان کنند و سپس به بررسی عوامل موثر و همچنین فرآیند این‌گونه روابط و در نهایت پیامدهای آن برای این افراد پرداخته شد. لازم به ذکر است که سوالات بعدی بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شد. مدت زمان هر مصاحبه با توجه به حوصله و علاقه‌مندی مصاحبه‌شوندگان، شرایط و وقت لازم، بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه بود و تا زمانی که اطلاعات جدیدی ذکر نمی‌گردید، ادامه می‌یافت. این نکته حائز اهمیت است که مصاحبه‌شوندگان احساس امنیت کنند و با آسودگی خاطر بتوانند تجارب خود را بیان نمایند؛ بدین منظور آن‌ها متوجه‌ی بعضی ملاحظات اخلاقی شدند که مهم‌ترین آن‌ها، رعایت اصل رازداری است. برای آنکه اطلاعات بهتر و دقیق‌تر ثبت شود، محتوای جلسه پس از کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان ضبط شد. همچنین، برای محفوظ ماندن نام آن‌ها، از اسامی مستعار استفاده گردید. به منظور تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش، بلافاصله بعد از هر مصاحبه، مفاهیم مناسب شناسایی شدند و در مقولات قرار گرفتند. بنابراین، در طول جمع‌آوری داده‌ها تحلیل آن‌ها نیز صورت گرفت؛ یعنی هر مصاحبه مورد تحلیل و کدگذاری قرار می‌گرفت و سپس مصاحبه‌ی بعدی انجام می‌شد. کدگذاری دارای سه مرحله‌ی کدگذاری باز[2]، محوری[3] و انتخابی[4] است (استراس و کربین[5]، ۱۹۹۰؛ ترجمه افشار، ۱۳۹۴). مرحله‌ی اول کدگذاری باز بود، در این مرحله پس از مصاحبه، مفاهیم مهم از راه بررسی دقیق داده‌ها استخراج شدند. مرحله‌ی دوم کدگذاری محوری بود. در این مرحله، موارد به دست آمده در کدگذاری باز، بر اساس مشابهت‌ها و تفاوت‌ها بررسی شدند و در مقوله‌های جدیدی قرار گرفتند. مرحله‌ی نهایی، شامل کدگذاری انتخابی بود. در این مرحله، مقوله‌های اصلی مشخص شدند و موارد مرتبط با کدگذاری‌های محوری در هریک از این مقوله‌ها بر اساس ارتباط داشتن و مشابهت‌ها جای گرفتند و مقوله‌های کلی‌تری به دست آمدند. به منظور اعتبارسنجی داده‌های به دست آمده، یافته‌ها در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا صحت آن‌ها را تایید کنند. همچنین، تمامی فرایندهای کدگذاری، یادداشت شد و پژوهشگر در تمامی مراحل کدگذاری و ایجاد نظریه به بررسی و اصلاح کدها پرداخت و در نهایت، به منظور دست‌یابی به اعتباریابی، علاوه بر پژوهشگر، فرد دیگری نیز داده‌ها را مورد بررسی و بازنگری قرار داد (قدرتی و حسنی، ۱۳۹۴)؛ در نتیجه، با استفاده از این روش‌های انجام شده در پژوهش حاضر، صحت و درستی کدگذاری‌ها مشخص و تایید شد.

یافته ها

یافته‌ها در دو بخش داده‌های توصیفی تحقیق و داده‌های تحقیق کیفی عرضه شده‌اند. در بخش اول، داده‌های توصیفی شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در قالب جدول شماره‌ی ۱ ارائه شده است؛ سپس در بخش دوم، یافته‌های تحقیق به صورت جدول کدهای باز، محوری و انتخابی ارائه شده‌اند. در ادامه، مقولات در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شدند که در شکل شماره‌ی ۱ تحت عنوان الگوی بسترها و پیامدهای دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران نشان داده شده است.

1 Semi-structured interview
2 Open coding
3 Axial coding
4 Selective coding
5 Strauss & Corbin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

بازه‌ی سنی مشارکت‌کنندگان بین ۲۰ تا ۲۶ سال بود. ۷ نفر از آن‌ها متاهل بودند که در این بین ۴ نفر دارای فرزند بودند و ۵ نفر بقیه هم مجرد بودند. همچنین، ۶ نفر از مشارکت‌کنندگان ساکن خوابگاه بودند و تجربه‌ی زندگی در چنین محیطی را داشتند. در ادامه، یافته‌های پژوهشی در قالب جداول و توضیحات بیان شده است.

۱. جدول اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	سن	میزان تحصیلات	محل سکونت	وضعیت تاهل-تجرد	تعداد فرزند
۱	۲۵	کارشناسی ارشد	خوابگاه	متاهل	۱
۲	۲۶	کارشناسی ارشد	خوابگاه	متاهل	۱
۳	۲۳	کارشناسی	غیرخوابگاه	متاهل	-
۴	۲۳	کارشناسی	خوابگاه	متاهل	۱
۵	۲۱	کارشناسی	غیرخوابگاه	مجرد	-
۶	۲۶	کارشناسی ارشد	خوابگاه	متاهل	-
۷	۲۳	کارشناسی	خوابگاه	متاهل	-
۸	۲۲	کارشناسی	خوابگاه	مجرد	-
۹	۲۶	کارشناسی ارشد	غیرخوابگاه	مجرد	-
۱۰	۲۰	کارشناسی	غیرخوابگاه	مجرد	-
۱۱	۲۳	کارشناسی	غیرخوابگاه	متاهل	۱
۱۲	۲۶	کارشناسی ارشد	غیرخوابگاه	مجرد	-

تجزیه و تحلیل داده‌ها درباره‌ی بسترها و پیامدهای دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران به تولید ۳ کد انتخابی، ۱۴ کد محوری و ۳۵ کد باز منجر شد که در ادامه به بیان نمونه‌هایی از مصادیق مصاحبه‌ها پرداخته می‌شود.

عوامل موثر بر میزان گرایش به روابط با همجنسان

این مقوله‌ی اصلی، شامل ۸ زیرمقوله است. ۱- گروه همسالان: "قبلا فکر میکردم آدم مریضی هستم که آنقدر در دوستیم افراطی عمل میکنم، ولی بعد دیدم بین همسالانم خیلی زیاده و اونو طبیعی دونستم". ۲- شرایط خانواده: "به نظرم محدودیت‌هایی باعث این‌گونه روابط شده بود. از طرف خانواده‌ام محدود شده بودم که با جنس مذکر ارتباط داشته باشم و دوست داشتم کسی بهم ابراز احساسات کنه". ۳- غریزه و مسائل زمینه‌ساز افکار و نزدیکی جنسی: " فکر میکنم ترشح یک سری هورمون در دوران بلوغ، در ایجاد این حس دخیل باشه. چون اکثر همسن و سال‌های خودم درگیر این روابط بودند". ۴- دینداری: "بزرگترین مانع در ایجاد این نوع روابط، رابطه نزدیک با خداست". ۵- گذر زمان: "چیزی که خیلی به تعدیل شدن رابطه‌ام کمک کرد، افزایش سن و مادرشدنم بود". ۶- جنس مخالف" یک روانشناس بهم گفت برم با یک پسر دوست بشم؛ و واقعا هم درست میگفت، چون از وقتی وارد انجمن‌ها و جوامعی که پسر بودند شدم احساسم خیلی نرمال‌تر شد". ۷- دیدگاه ارزشی- اجتماعی فرد: "هرچه سنم بالاتر رفت، ملاک‌های جدیدی برایم ایجاد شد و ملاک‌های قبلی حذف شد. مثلا در حال حاضر ارزش خیلی کم‌تری به این روابط میدم". ۸- ویژگی فردی: "گاهی با خودم فکر میکنم که چقدر اعتماد به نفس و عزت نفس من پایین بوده که حاضر بودم به هر قیمتی توجه طرف مقابل را به خودم جلب کنم".

ابعاد مختلف موجود در حین رابطه

این مقوله‌ی اصلی، شامل ۳ زیرمقوله است. ۱- ویژگی‌های روان‌شناختی موجود در رابطه: "از این احساس و دوست داشتن افراطی خسته شده بودم دیگه و لذتی نمی‌بردم". ۲- مختل شدن روند زندگی شخصی: "دوست ندارم به اون دوران برگردم، چون تمام فکر و ذهنم به طرف مقابلم بود و خودمو نمیدیدم". ۳- مختل شدن روابط خانوادگی: "من بعد از مدتها که برمیگشتم شهرستان پیش خانواده‌ام، آنقدر گوشی دستم بود که ازم دلخور میشدن و شکایت میکردن. بغض خواهرم را هیچ موقع فراموش نمیکنم".

پیامدهای فردی-اجتماعی

این مقوله‌ی اصلی، شامل ۳ زیرمقوله است. ۱- دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد: "همه فکر می‌کردند آدم بیخود و بچه‌ای هستم که این روابط را دارم". ۲- شرمساری جنسی: "در پیشگاه خدا همیشه شرمنده‌ام به دلیل رابطه‌ی افراطی و جنسی‌ای که داشتم". ۳-

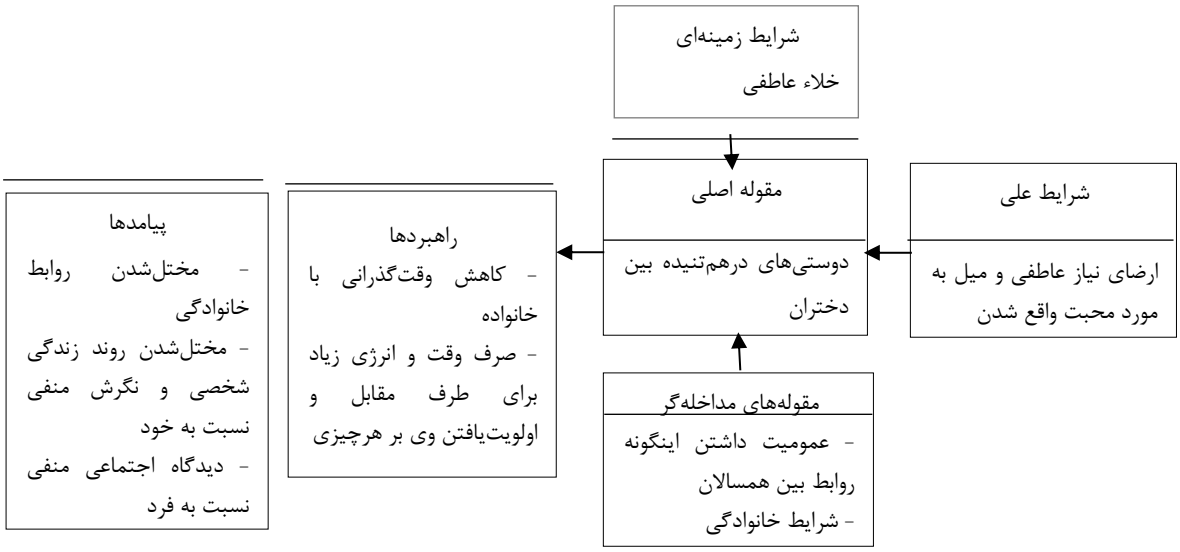
[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

نگرش منفی نسبت به خود:"دیگه دوست ندارم کسیو انقدری دوست داشته باشم که بهش وابسته بشم. دوست دارم تنها به شوهرم و خانواده‌ام وابسته باشم. واقعا از خودم و کارهایی که کردم ناراضیم".

۲. مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی
عمومیت داشتن بین دوستان	گروه همسالان	عوامل موثر بر میزان گرایش به همجنس‌ها
هنجارها و محدودیت‌های موجود در خانواده، عدم وجود خواهری همراه و همدم	شرایط خانواده	
امیال جنسی، هورمون‌های فعال شده در دوران بلوغ، جذابیت ظاهری فرد مقابل، وجود مکان و بستری برای تنهایی، صحبت در زمینه‌ی مسایل جنسی	غریزه و مسایل زمینه‌ساز افکار و نزدیکی جنسی	
اعتقادات مذهبی	دینداری	
دوره سنی، مادر شدن	گذر زمان	
روابط با غیرهمجنس، خلاء عاطفی	جنس مخالف	
تغییر در ملاک و ارزش‌ها، تغییر دیدگاه	دیدگاه ارزشی- اجتماعی فرد	
مهرطلبی و مهرورزی، کمبود عزت‌نفس و اعتماد به نفس	ویژگی فردی	
ترس از دست دادن و طرد شدن، دعوا و تنش، حساسیت بیش از حد، خستگی و درماندگی، وابستگی شدید، بی‌اعتمادی(شک و بدبینی)	ویژگی‌های روان‌شناختی موجود در رابطه	ابعاد مختلف موجود در حین رابطه
اولویت دادن به طرف مقابل و نادیده گرفتن خود، صرف وقت و انرژی زیاد	مختل شدن روند زندگی شخصی	
تعارض با همسر، کاهش وقت‌گذرانی با خانواده و نارضایتی آنها	مختل شدن روابط خانوادگی	
به درد نخور بودن از دید دیگران، مورد تمسخر دیگران واقع شدن، انگشت‌نما شدن	دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد	پیامدهای فردی-اجتماعی
احساس گناه و عذاب وجدان، احساس شرمندگی ناشی از نزدیکی جنسی با همجنس	شرمساری جنسی	
احساس پشیمانی از عملکرد رابطه خود، سرزنشگری، تنفر از خود	نگرش منفی نسبت به خود	

براساس جایگاه هریک از مقوله‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها در مصاحبه‌های انجام شده و طی کدگذاری محوری و انتخابی، الگوی بسترها و پیامدهای دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران به صورت شکل ۱ استخراج و گزارش شده است.



شکل ۱: الگوی بسترها و پیامدهای دوستی‌های درهم‌تنیده در میان دختران

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تبیین بسترها و پیامدهای دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران بود که با رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام شد. نتایج پژوهش حاضر در سه حیطه‌ی کلی عوامل موثر بر میزان گرایش به روابط با همجنسان، ابعاد مختلف موجود در حین رابطه و پیامدهای فردی-اجتماعی این روابط عنوان شدند؛ در ادامه نکاتی در رابطه با این سه حیطه بیان شده است:

عوامل موثر در میزان گرایش به روابط با همجنسان شامل گروه همسالان، شرایط خانواده، غریزه و مسایل زمینه‌ساز افکار و نزدیکی جنسی، دینداری، گذر زمان، حضور جنس مخالف، دیدگاه ارزشی اجتماعی و ویژگی‌شخصیتی فرد است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن بود که همسالان می‌توانند نقش موثری در میزان گرایش به روابط با همجنسان داشته باشند. طبق مصاحبه‌ای که با مشارکت‌کنندگان صورت گرفت، آن‌ها بر اساس مقایسه‌ی تجارب قبلی و فعلی خود، به این مورد اشاره نمودند که در دوران مدرسه و به ویژه دبیرستان، شاهد شمار زیادی از این‌گونه روابط بودند و به این ترتیب این مسائل را طبیعی قلمداد می‌کردند و به نحوی قبح آن ریخته شده بود. در این رابطه، پژوهش قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷)، مبتنی بر اثرپذیری از دوستان در دوران نوجوانی، با پژوهش حاضر همسو است. منظور از شرایط خانواده، هنجارها و محدودیت‌های موجود در خانواده و عدم وجود خواهری همراه و همدم است. خانواده، گروهی از افراد هستند که در ابعاد گوناگونی بر هم تاثیر می‌گذارند و از هم تاثیر می‌پذیرند. طبق این مورد، رفتارها و عملکردهای هریک از اعضای خانواده در خلاء وجود ندارد و تحت تاثیر روابط خانوادگی و درون سیستم خانواده به وجود می‌آیند. بنابراین، کیفیت روابط والد-فرزندی و همچنین هنجارها و محدودیت‌های موجود در خانواده می‌تواند اثرات قابل توجهی بر اعضای خانواده، به ویژه نوجوانان بگذارد؛ چرا که آن‌ها در دوره بلوغ و در پی کسب مهارت‌ها و جامعه‌پذیری هستند. در دوران نوجوانی و شروع جوانی، برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه جنس مخالف از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. در این زمینه، اگر والدین نتوانند با فرزندان خود رابطه‌ای مبتنی بر صلح و آرامش برقرار کنند و تنها با بیان قواعد خشک و دستوری به آن‌ها امر و نهی نمایند، ممکن است فرزندان به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، برای جبران محدودیت‌های موجود، به روابط نادرست و نابهنجار رو آورند؛ یکی از این موارد ارتباط با همجنس، آن هم به شیوه‌ی غیرمعمول و افراطی است. همچنین عدم وجود خواهری همراه و همدم، یکی دیگر از عوامل موثر در گرایش به اینگونه روابط شناخته شده است. ۴۳ درصد از مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند که اگر خواهری به عنوان همدم خود داشتند، شاید به این‌گونه روابط رو نمی‌آوردند و انقدر به همجنس خود وابسته نمی‌شدند؛ چرا که فردی همجنس را در کنار خود داشتند تا اوقات خود را با او بگذرانند و گفتمان کنند. ویژگی فردی به میزان زیادی تحت‌تاثیر خانواده قرار دارد. مهرطلبی و مهرورزی از ویژگی‌های موثر در گرایش به این‌گونه روابط بود که مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به آن اشاره نمودند. میزان مهرورزی و مهرطلبی ویژگی‌ای است که ممکن است تحت‌تاثیر خانواده هسته‌ای در فرد شکل بگیرد و بر روابط با دیگران و به طور خاص بر دوستان تاثیر بگذارد. پژوهش حاضر با نتایج پژوهش ولز (۲۰۰۹)، مبتنی بر تاثیر حضور و ارتباط با خواهر بر نوع و کیفیت رابطه با همجنسان همخوان است. همچنین، یافته‌های این پژوهش با پژوهش آلن و همکاران (۲۰۱۱)، تیلزر و همکاران (۲۰۱۵)، لی و بونک (۲۰۱۶)، سوء و همکاران (۲۰۱۶) و حسین‌پور و قنبری (۱۳۹۶)، مبتنی برتاثیر کیفیت و میزان تعاملات والد-فرزندی بر نوع و نحوه‌ی ارتباط با دوستان و همسالان، همچنین کنترل عواطف آنها در رابطه با دیگران همسو می‌باشد. همچنین، غریزه و مسایل زمینه‌ساز افکار و نزدیکی جنسی که یکی از موارد بسیار مهم و حائز اهمیت است شامل امیال جنسی، هورمون‌های فعال شده در دوران بلوغ، جذابیت ظاهری فرد مقابل، وجود مکان و بستری برای تنهایی و صحبت در زمینه مسایل جنسی می‌باشد. امیال جنسی عامل مهمی است که نزدیک به ۷۰ درصد مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند و آن را ناشی از هورمون‌هایی می‌دانستند که در دوران نوجوانی و جوانی به میزان بیش‌تری ترشح می‌شود و این گرایشات را در آدمی ایجاد می‌کند؛ لازم به ذکر است که مشارکت‌کنندگانی که تجربه‌ی برقراری رابطه جنسی با همجنس خود را داشتند، روی این امر تاکید بیش‌تری نمودند. همچنین، آن‌ها وجود مکان و بستری برای تنهایی مانند خوابگاه و صحبت در زمینه مسایل جنسی را در گرایش به این‌گونه روابط بسیار موثر میدانستند؛ انگار صحبت در رابطه با چنین روابط افراطی و حتی تنها ماندن با دیگری، موجب تحریک شدن فرد می‌شود و میل بیش‌تری برای تجربه‌ی این‌گونه روابط را در وی افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با پژوهش آذر و نامور (۱۳۹۶) و کریستیکس و فاولر (۲۰۱۴) همسو است. البته، براساس یافته‌های پژوهش حاضر، اعتقادات مذهبی زمانی که عمیق باشد، می‌تواند مانعی در گرایش به این‌گونه روابط افراطی و خارج از چارچوب در جامعه‌ی ما باشد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش آذر و نامور (۱۳۹۶)، مبنی بر تاثیر اعتقادات مذهبی بر کاهش روی آوردن به گناه همخوان است. ترس از خدا و مقید بودن به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

رعایت حلال و حرام الهی از مواردی بود که چندی از مصاحبه‌شوندگانی که رابطه عاطفی شدید با همجنس خود داشتند، بیان نمودند و تنها ارزش‌های مذهبی آن‌ها مانعی بر سر راه برقراری رابطه جنسی با همجنس شده بود. ابعاد دوره سنی و مادر شدن در زیرمجموعه‌ی مقوله‌ی گذر زمان قرار گرفته‌اند. طبق مصاحبه‌های صورت گرفته، با گذر زمان و کسب تجربه، دیدگاه و نظرات افراد تغییر کرده و با جایگزین شدن دغدغه‌های جدید، این‌گونه روابط صمیمانه رنگ و بوی کمتری به خود می‌گیرند و به حاشیه می‌روند. به‌علاوه، همانطور که از اسم مقدس مادر برمی‌آید، می‌دانیم که مادر تمام هست و نیست خود را نثار فرزند خود می‌کند و با پخش‌کردن احساسات و توجه خود بین فرزند و همسر، این‌گونه روابط جایگاه بسیار کم‌تری برای فرد دارد. پژوهش صمیمی و همکاران (۱۳۹۱)، با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد. البته، تغییر در ملاک و ارزش‌ها و تغییر دیدگاه فرد، که در مقوله‌ی دیدگاه ارزشی اجتماعی فرد دسته بندی شده‌اند، دور از مقوله‌ی گذر زمان نیست و از آن تاثیر می‌پذیرد؛ اما از نظر اهمیتی که دیدگاه ارزشی اجتماعی فرد دارد، در مقوله‌ای جدا به آن پرداخته شده است. ما دارای هویت فردی و اجتماعی‌ای هستیم که به مرور زمان و بر اساس تجارب شکل گرفته‌اند. ملاک و ارزش‌ها هم جزء هویت ما هستند و به مرور زمان ممکن است تغییر یابند. در رابطه با مصاحبه‌هایی که با مشارکت‌کنندگان صورت گرفت، آن‌ها اذعان نمودند که به مرور زمان و با کسب تجارب گوناگون، ارزش‌ها و اولویت‌بندی‌های جدیدی در زندگی آن‌ها شکل گرفته است و به صورت منطقی‌تری روابط خود را با افراد همجنس اداره می‌کنند. نزدیک به ۸۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان به موثر بودن حضور جنس مخالف در میزان گرایش به این‌گونه روابط اشاره کردند؛ البته در اینجا، اشاره‌ی صرف به داشتن روابط عاطفی و عاشقانه با غیرهمجنس نیست؛ بلکه یافته‌های این پژوهش نشان داد حضور در محیط‌هایی که جنس مخالف وجود داشته باشد و تعامل و فعالیت‌های مشترکی صورت بگیرد، مانعی برای ورود به روابط افراطی با همجنس‌ها است و گسترش روابط اجتماعی با افراد با جنسیت‌های مختلف، از تمرکز انحصاری و وابستگی بیش از اندازه به همجنس جلوگیری می‌کند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش آذر و نامور (۱۳۹۶)، مبتنی بر تاثیر رابطه با جنس مخالف در برآوردن نیاز عاطفی و جنسی در دوره نوجوانی همخوان می‌باشد.

ابعاد مختلف موجود در حین رابطه در سه حیطه‌ی مختل شدن روند زندگی شخصی، مختل شدن روابط خانوادگی و ویژگی‌های روان‌شناختی موجود در رابطه به دست آمده‌اند. براساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، نشان داده شد که روابط در هم‌تنیده و غیرمعمول با همجنسان موجب اختلال در ابعاد گوناگون زندگی افراد می‌شود. مشارکت‌کنندگان به مختل شدن روند زندگی شخصی خود در حین رابطه اشاره نمودند. آن‌ها آنقدر در این‌گونه روابط غرق بودند و تمام زمان و وقت خود را وقف آن نمودند که دیگر خود را فراموش کرده بودند و طرف مقابل را در اولویت قرار می‌دادند، حتی حاضر بودند هرکاری انجام بدهند تا او را در کنار خود داشته باشند و رضایت وی را جلب نمایند. مشارکت‌کنندگان اذعان نمودند که آنقدر به این رابطه وابسته بودند و تمام فکر و ذهن آن‌ها را به خود مشغول کرده بود که دیگر جایی برای توجه و گذران وقت با خانواده باقی نمی‌ماند. پژوهش صمیمی و همکاران (۱۳۹۱) با پژوهش حاضر همسو است. براساس یافته‌های پژوهش حاضر، این‌گونه روابط برای فرد در اولویت بوده و روابط با خانواده را تحت تاثیر قرار داده است؛ لازم به ذکر است که مشارکت‌کنندگان متاهل در این پژوهش هم عنوان نمودند که با وجود متاهل بودن، روابط بسیار نزدیک و غیرمعمول خود را حفظ نموده و آنقدر غرق در دوستی و رابطه‌ی خود بودند که همین امر منجر به نارضایتی همسر و در نتیجه ایجاد روابط محدود و متعارض با همسر گردیده بود. این یافته با پژوهش آریز و جانسون (۱۹۸۳)، مبتنی بر پایداری و گرایش به این‌گونه روابط در بعد ازدواج همسو است. قابل توجه است که اغلب مشارکت‌کنندگان حاضر در پژوهش، به وجود دعوا و اختلافات شدید، حساسیت بیش از اندازه، ترس از دست دادن و طرد شدن در رابطه و در نهایت، پایان رابطه اشاره نمودند. همانطور که آن‌ها عنوان کردند، توجه صرف و مشغول شدن فکر و ذهن، تنها روی یک نفر و در پی آن، ایجاد توقعات و انتظارات روزافزون از یکدیگر منجر به این شده است تا طرفین رابطه به تدریج به دلیل فشار روانی زیاد، از این رابطه خسته و دلزده شوند و ارتباط سردی بین آن‌ها برقرار گردد و در نهایت رابطه قطع شود. پژوهش جانسون و همکاران (۲۰۰۹)، مبتنی بر از بین رفتن انرژی و ایجاد درد و رنج در این‌گونه روابط با مطالعه حاضر همسو است. براساس این یافته‌ها، فرد نه‌تنها زندگی فردی و اجتماعی خود را مختل می‌کند، بلکه این روابط بی‌نتیجه می‌ماند و رابطه به تباهی کشانده می‌شود؛ همانطور که قریب به اکثر مشارکت‌کنندگان عنوان کردند که احساس می‌کنند بازنده هستند و از عملکرد خود به شدت ناراضی و پشیمان بودند.

در پژوهش حاضر، پیامدهایی که از این‌گونه روابط استنباط شدند عبارتند از: دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد، شرمساری جنسی و نگرش منفی نسبت به خود. به درد نخور بودن از دید دیگران، مورد تمسخر دیگران واقع شدن و انگشت‌نما شدن از جمله موارد دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد هستند. زندگی در رابطه با دیگران معنا می‌یابد و بدون حضور دیگران امکان‌پذیر نیست؛ در نتیجه، نمی‌توان از زیر ذره‌بین آن‌ها فرار کرد. از آن‌جا که نزدیکی بیش از اندازه با فردی همجنس، به ویژه در کشور ما، غیرمعمول و نابهنجار است، همین

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

امر موجب جلب توجه دیگران شده و باعث می‌شود فرد مورد قضاوت قرار بگیرد؛ همانطور که مشارکت‌کنندگان حاضر در پژوهش، به مسخره شدن و انگشت‌نما شدن از جانب دیگران اشاره نمودند و به شدت از این مسئله رنج می‌بردند. در این بین، افرادی بودند که درگیر روابط جنسی با همجنس شده بودند و احساس گناه و عذاب وجدان و احساس شرمندگی ناشی از این نزدیکی، منجر به احساس شرمساری جنسی در آن‌ها شده بود. به علاوه، منظور از نگرش منفی نسبت به خود، احساس پشیمانی از عملکرد رابطه خود با همجنس، سرزنشگری و تنفر از خود است. نکته‌ای که در این پژوهش حائز اهمیت است، این است که سرانجام، ۸۵ درصد از این روابط به نابودی و جدایی کشیده شده است. فشارهای ناشی از تجربه این‌گونه روابط و در نهایت دوری و جدایی از شریک دوستی خود و بی‌ثمر بودن تلاش خود در رابطه، با توجه به میزان و کیفیت این روابط اثراتی را به همراه داشته است. مثلا مشارکت‌کننده‌ای عنوان کرد برقراری رابطه جنسی با همجنس، منجر به احساس گناه و عذاب وجدان شدید در مقابل خدا، همسر و خانواده‌اش شده و در پی آن، احساسات منفی از جمله احساس پشیمانی، تنفر از خود و سرزنشگری در فرد ایجاد شده است. حتی شرکت‌کنندگانی هم که روابطشان به نزدیکی ختم نشده است، اذعان نمودند که این احساسات را با شدت کم‌تری تجربه نمودند؛ آن‌ها به دلیل نادیده گرفتن عزیزان خود و دور شدن از معشوق آسمانی، شرمنده خانواده و خدای خود بودند و از احساس گناه رنج می‌بردند.

به طور کلی و براساس الگوی به دست‌آمده از پژوهش حاضر، مقوله‌ی اصلی، دوستی‌های در هم‌تنیده در میان دختران بود که نشان داده شد عوامل مختلفی در این زمینه تاثیرگذار می‌باشند و راهبردها و پیامدهایی را به دنبال دارد. برقراری روابط دوستانه و صمیمانه، به ویژه در دوره نوجوانی از اهمیت زیادی برخوردار است و برقراری این‌گونه روابط تاثیرات مثبتی بر شکل‌گیری و رشد هویت افراد دارد اما در کنار تاثیرات مثبت، در صورتی‌که این‌گونه روابط از حد و حدود یک دوستی بهنجار و جامعه‌پسند خارج شود، بر ابعاد گوناگون زندگی افراد تاثیرات منفی خواهد داشت. براساس پژوهش حاضر، ارضای نیاز عاطفی و میل به مورد محبت واقع شدن از جمله شرایط علی در نظر گرفته شده است که موجب می‌گردد افراد به برقراری روابط دوستانه و پیوند با دیگران و به طور خاص، با همسالان ترغیب گردند. نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که دوستی‌ها و برقراری روابط نزدیک با همسالان از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است و در صورتی‌که فرد دچار خلاء عاطفی در زندگی باشد، اشتیاق و رو آوردن به روابط خیلی نزدیک با دوستان و سعی در برطرف نمودن آن، اهمیت بیش‌تری می‌یابد. بنابراین، خلاء عاطفی از جمله شرایط زمینه‌ای است که موجب می‌شود فرد در درون خود، میل به برقراری همچین روابطی را بیش از حد معمول احساس نماید. در این بین، مواردی هستند که به عنوان مقوله‌های مداخله‌گر شناخته شدند و موجب تسهیل‌گری و یا محدودیت در برقراری روابط افراطی با همجنسان می‌شود و نوع و کیفیت آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ این موارد عبارتند از: عمومیت داشتن این‌گونه روابط بین همسالان و شرایط خانوادگی. براساس اظهارات مشارکت‌کنندگان حاضر در پژوهش، با دیدن روابط بسیار نزدیک و خاصی که بین دوستان همجنس در محیط‌هایی مانند مدرسه و خوابگاه مشاهده می‌کردند، قبح این‌گونه روابط ریخته شد و چنین روابط دوستانه‌ای را بهنجار و معمول به شمار آوردند. همچنین، افرادی که در خانواده، مورد بی‌توجهی و عدم ارضای عاطفی قرار می‌گرفتند، یا روابط بین اعضای خانواده سرد و خشک بود، به منظور جبران این کمبود، به چنین روابطی رو می‌آوردند. براساس پژوهش حاضر، افراد در راستای برقراری دوستی‌های در هم‌تنیده، راهبردها و واکنش‌هایی را به کار می‌گیرند و تجربه می‌نمایند که در نهایت، ابعاد گوناگون زندگی آن‌ها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد؛ این راهبردها عبارتند از: کاهش وقت‌گذرانی با خانواده، صرف و قت و انرژی زیاد برای طرف مقابل و اولویت‌یافتن وی بر هرچیزی. به طور کلی، این موارد موجب ایجاد احساس منفی نسبت به خود می‌گردد و پیامدهای کلی‌تری از جمله مختل شدن روابط خانوادگی، مختل شدن روند زندگی شخصی و دیدگاه اجتماعی منفی نسبت به فرد را به دنبال دارد.

تمامی پژوهش‌هایی که روش گردآوری اطلاعات در آن‌ها مصاحبه است، با مشکلاتی چون: میل به ارائه پاسخ‌های قابل توجه به مصاحبه‌کننده، پر حرفی یا کم حرفی مصاحبه‌شونده و خستگی مواجه است؛ به ویژه در این مطالعه که با توجه به حساس بودن موضوع پژوهش، مشهود بود که چندی از مشارکت‌کنندگان، سعی در کتمان کردن مسائلی دارند و یا در تلاش بودند رفتار و عملکرد خود را بهنجار نشان دهند؛ با این وجود تلاش شد تا با سوالات گوناگون و همچنین جلب اعتماد آن‌ها، روند مصاحبه‌ها و دریافت اطلاعات به درستی صورت بگیرد. با توجه به یافته‌های تحقیق، خانواده و اجتماع، از جمله مدارس، یکی از عوامل موثر بر میزان گرایش افراد به روابط با همجنسان می‌باشند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در مدارس برای والدین و همچنین معلمان، کارگاه‌هایی در رابطه با مهارت‌های فرزندپروری (برای والدین) و تربیت جنسی (برای والدین و معلمان) برگزار شود و درنتیجه با برقرار کردن رابطه‌ای گرم و صمیمانه همراه با دلسوزی، راهنمایی‌های لازم به نوجوانان ارائه گردد. طبق پژوهشی که انجام شد، این‌گونه روابط در محیط‌های خوابگاهی به دلیل زندگی طولانی مدت و ایجاد وابستگی بین افراد ساکن خوابگاه، به میزان بیش‌تری به چشم می‌خورد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره‌ی خوابگاه‌ها،

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

کارگاه‌هایی در زمینه‌ی برقراری ارتباط موثر و مفید بین همجنسان، برگزار کنند. همچنین، به منظور جلوگیری از چنین روابط آسیب‌زا و با توجه به نقش مهم خانواده در این امر، توصیه می‌شود والدین محیطی امن و سالم برای فرزندان خود ایجاد نمایند و کیفیت رابطه اولد-فرزندی را ارتقا دهند. از آنجا که جامعه پژوهش مورد نظر، دختران بودند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، مطالعه‌ای با جامعه آماری پسران هم صورت بگیرد؛ همچنین، چندی از مشارکت‌کنندگان متاهل، به ادامه‌دار بودن این‌گونه روابط در هم‌تنیده و افراطی در بدو ازدواج اشاره کردند، بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشی متمرکز بر عوامل نگه‌دارنده‌ی این‌گونه روابط در بدو ازدواج صورت بگیرد.

منابع

استراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۹۹۰). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۴)، تهران: نشر نی.

آذر، خدیجه؛ نامور، یوسف. (۱۳۹۶). تجارب روابط دوستی دختر و پسر دانشجو با رویکردی پدیدارشناسانه. *مطالعه اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۵(۲)، ۸۰-۴۳.

سروانی‌زنجانی، عزیزاله و رفیع‌نژاد، علی. (۱۳۹۶). بررسی جرم همجنس‌گرایی در حقوق کیفری ایران. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی*، شیراز.

سعادتی، نادره؛ یوسفی، زهرا و گل‌پرور، محسن. (۱۳۹۹). ارائه مدل تربیتی از تجربه زیسته مردان موفق: مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. *فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی*، ۱(۱)، ۶۹-۹۹.

شهسوارانی، امیرمحمد. (۱۳۹۷). نظریه تبادل اجتماعی: نظریه ارتباطات و تعاملات بین‌فردی در جامعه. *فصلنامه تحقیقات رسانه*، ۱(۱)، ۵۱-۷۰.

شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی الن. (۱۳۹۷). *نظریه‌های شخصیت* (سال چاپ کتاب به زبان اصلی، ۲۰۱۳)، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: انتشارات ویرایش.

جوشقانی، بهمن. (۱۳۹۶). ویژگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۴(۴۳)، ۵۳-۷۱.

حسین‌پور، کریم و قنبری، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین جو عاطفی و کنترل عواطف با رشد مهارت‌های اجتماعی. *هشتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*: تهران، دانشگاه تهران. http://civilica.com/doc/676239

صمیمی، عادله؛ مظاهری، علی و حیدری، محمود. (۱۳۹۱). ارزیابی تحولی کیفیت روابط دوستی نوجوانان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسی ایرانی*، ۹(۳۳)، ۶۰-۴۷.

قاضی‌نژاد، نیکو؛ آسایش، محمدحسن و باهنر، فهیمه. (۱۳۹۹). واکنش‌های شناختی دختران با نشانگان شکست عشقی: یک مطالعه‌ی پدیدارشناسی. *رویش روان‌شناسی*، ۱(۴۶)، ۹۷-۱۰۶.

قدرتی، حسین و حسنی، رضا. (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی. *علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ۲۶، ۱۶۹-۱۹۵.

قربانی، علیرضا و جمعه‌نیا، سکینه. (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۲)، ۱۱۳-۱۲۸.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۹۳۴). *خانواده درمانی*. ترجمه حمیدرضا برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند (۱۳۹۴). تهران: نشر روان.

American Psychological Association. (2015). Guidelines for psychological practice with transgender and gender nonconforming people. *American Psychologist*, 70(9),832-864.

Allen, K. R., Blieszner, R., & Roberto, K.A. (2011). Perspectives on Extended Family and Fictive Kin in Later Years: Strategies and Meaning of Kin Representation. *Journal of Family Issues*, 32(9), 1156-1177.

Andersen, M., & Przybylinski, E. (2018). Shared reality in interpersonal relationships. *Current Opinion in Psychology*, 23, 42-46.

Aries, E. J., & Johnson, F. L. (1983). Close friendship in adulthood: Conversational content between same-sex friends. *Sex Roles*, 9 (12), 1183-1196.

Christakis, N. A., & Fowler, J. H. (2014). Friendship and natural selection. *Proceedings of the Natural Academy of Sciences of the United States of America*, 111, 10796-10801.

Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches.* London: Sage publications.

David-Barrett, T., Rotkirch, A., Carney, J., Benche Izquierdo, I., Krems, J. A., Townley, D., McDaniell, E., Burney-Smith, A., & Dunber, R. I. (2015). Women favour dyadic relationships, but men prefer clubs: cross-cultural evidence from social networking. *Journal Plos One*, 10(3): e0118329.

Hammaren, N., & Johansson, T. (2014). Homosociality: in between power and intimacy. *SAGE Open*, 4(1), 1-11.

Kelley, H. H. (2013). *Personal relationships: Their structures and Processes*. Psychology Press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]

Lee, J., & Bonk, C. J. (2016). Social network analysis of peer relationships and online interactions in a blended class using blogs. *The Internet and Higher Educations*, 28, 35-44.

Monsour, M. (1992). Meaning of Intimacy in Cross- and Same-Sex Friendships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9(2), 277-295.

Oswald, D. L., & Clark, E. M. (2003). Best friends forever?: High school best friendships and the transition to college. *Personal Relationships*, 10(2), 187-196.

Owusua Dankwa, S.(2009). "It's a Silent Trade": Female Same-Sex Intimacies in Post-Colonial Ghana. *Nora- Nordic Journal of Feminist and Gender Research*, 17(3), 192-205.

Sprigg, P. (2011). *Debating Homosexuality: Understanding Two View.* Family Research Councill.

Su, S., Pettit, G. S., & Erath, S. A. (2016). Peer relations, parental social coaching, and young adolescent social anxiety. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 42, 89-97.

Johansson, A., Karin, D., & Ekenstam, C. (2009). The meaning of close relationships and sexuality: Women's well-being following a myocardial infarction. *Qualitative Health Research*, 19(3), 375-387.

Telzer, E. H., Ichien, N. T., & Qu, Y. (2015). Mothers know best: redirecting adolescent reward sensitively toward safe behavior during risk taking. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 10(10),1383-1391.

Ting-Toomey, S. (1981). Ethnic identity and close friendship in Chinese-American college students. *International Journal of Intercultural Relations*, 5(4), 383-406.

Tuggle, F. J., Kerpelman, J. L., & Pittman, J. F. (2014). Parental support, psychological control, and early adolescents' relationships with friends and dating partners. *Family Relationships*, 63(4), 496-512.

Van Menan, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy.* Milton Park Routledge.

Wells, J. (2009). The Closeness of Sisters: Imaging Cassandra and Jane. *Persuasions On-Line*, 30(1), 1775-1817.

Wu, X., Hua, R., Yang, Z., & Yin, J. (2018). The influence of intention and outcome on evaluation of social interaction. *Acto Psychological*, 182, 75-81.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.2.13.2]